

ارزیابی سیاست‌های مالیاتی از جنبه توزیع درآمد

خسرو نورمحمدی*، عباس عرب مازار**، نادر مهرگان***، بامداد پرتویی****

تاریخ پذیرش
۱۴۰۰/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت
۱۴۰۰/۰۷/۲۵

چکیده:

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات جدی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهد شد. در این زمینه، منابع مالیاتی، مهم‌ترین ابزار دولت برای بهبود و توزیع مجدد درآمد هستند. با توجه به نقش و اهمیت مالیات‌ها در توزیع درآمد در جامعه، این تحقیق قصد ارزیابی سیستم مالیاتی از جنبه توزیع درآمد با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ استان‌ها با استفاده از الگوهای گشتاور تعمیم‌یافته دارد. در این راستا، اثر متغیرهای مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات، نرخ تورم، نرخ بیکاری و رشد تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی (شاخص نابرابری توزیع درآمد) مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج برآورد الگو نشان می‌دهد که اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ثروت، نرخ تورم و رشد اقتصادی بر ضریب جینی مثبت و معنادار است. هر چه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد بیشتر می‌گردد. اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ارزش افزوده و نرخ بیکاری بر ضریب جینی منفی و معنادار است، به عبارتی هرچه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد.

کلید واژه‌ها: مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، نابرابری درآمد، ضریب جینی، الگوی گشتاورهای تعمیم‌یافته
طبقه‌بندی JEL: C23, E62, I38, K34

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران،

noormohamadi.kh@mporg.ir

** دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

ab_arabmazar@sbu.ac.ir

*** استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،

mehregannader@basu.ac.ir

**** استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران،

bamdad.partovi@iau.ac.ir

۱. مقدمه

درآمد و چگونگی توزیع آن بین طبقات و گروه‌های اجتماعی، یکی از مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی است؛ پس باید به نحوه توزیع درآمد در میان افراد جامعه توجه بیشتر صورت گیرد (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۹). نابرابری درآمدی منجر به بی‌ثباتی سیاسی، جرم و جنایات و مانع از فرآیندهای توسعه اقتصادی و کاهش فقر می‌شود. از این رو، دستیابی به توزیع عادلانه درآمد مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است. از جمله مهمترین این ابزارها می‌توان از مالیات‌ها نام برد. به عبارت دیگر، در اقتصاد کشورها، دولت ایفای نقش عظیم و پراهمیتی را بر عهده دارد. انجام وظایف دشواری که بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است، مستلزم تحمل مخارج سنگینی است که برای تأمین آن‌ها، دولت بایستی منابع درآمد کافی در اختیار داشته باشند. طبیعی است که وجود هزینه‌های دولت، نیاز به روش‌هایی برای کسب درآمد برای این نهاد را ایجاد می‌کند. دولت می‌تواند از روش‌های گوناگونی به تأمین مالی مخارج خود بپردازد. در میان این روش‌ها در کشورهای مختلف، مهم‌ترین روش دریافت مالیات است. در اقتصاد بخش عمومی، مالیات یکی از منابع مهم و قابل‌اتکای درآمد دولت است. مقایسه این منبع با سایر منابع نشان می‌دهد که هرچه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد، از ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی به میزان چشمگیری جلوگیری می‌شود. به عبارت دیگر، مالیات‌ها از یک سو نقش بسیار مهمی در تأمین منابع مالی دولت دارند و از سوی دیگر، در تنظیم امور اقتصادی جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند و از این نظر از حساسیت زیادی برخوردار هستند (جعفری صمیمی، ۱۳۸۴).

منابع مالیاتی مهمترین ابزار در دست دولت برای توزیع مجدد درآمد نیز هستند. به عبارت ساده‌تر، همه مالیات‌ها اثر درآمدی دارند و به نحوی بر توزیع درآمد مؤثرند. اما اثر هر مالیاتی بر توزیع درآمد بر حسب نوع مالیات، پایه‌های مالیاتی و نرخ‌های مالیاتی

متفاوت است. طوری که مالیات‌های تنازلی آثار نامناسب، مالیات‌های تناسبی بی‌اثر و مالیات‌های تصاعدی آثار مطلوبی بر توزیع درآمد دارند (امیری و همکاران، ۱۳۹۴). سیاست‌های مالیاتی دولت می‌تواند بر کاهش نابرابری توزیع درآمد و توزیع مجدد درآمد مؤثر واقع شود. در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های توزیعی دولت از طریق سیاست‌های مالیاتی صورت می‌گیرد. طوری که دولت برای بهتر شدن توزیع درآمد، مالیات‌های بیشتری از گروه‌های بالای درآمدی دریافت کرده و با افزایش مالیات‌های درآمدی، خدمات بیشتری را به‌صورت تأمین اجتماعی در اختیار گروه‌های فقیر جامعه قرار می‌دهد. در واقع این سیاست‌ها می‌تواند درآمد گروه‌های بالای افراد را به گروه‌های پایین از افراد جامعه منتقل نماید، و نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد و کمک به اقل‌مردم ایفا کند (غفاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

بر اهمیت و نقش نظام مالیاتی در گسترش حوزه‌های رفاهی کمتر تردیدی وجود دارد، لیکن ضعف برخی شاخص‌های نابرابری در ایران سؤالات متعددی در مورد کمیت و کیفیت نظام مالیاتی ایجاد می‌کند. کشور ایران در قالب استان‌های مختلف، اگر چه از یک مجموعه‌ها و بسته‌های سیاستی (سیاست مالی) برابر و یکسانی بهره می‌گیرد، اما تأثیرات متفاوتی در مناطق آن مشاهده می‌شود. بر این اساس، مسأله اساسی تحقیق این است که آیا سیاست‌های مالی با تأکید بر مالیات‌ها به منظور ایجاد توزیع درآمد می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌ها گردد. بر این اساس، هدف این مطالعه بررسی تأثیر مالیات‌ها بر توزیع درآمد استان‌های ایران است. بدین منظور، ادامه مقاله به این ترتیب سازماندهی شده است: بعد از مقدمه، در بخش دوم مروری بر ادبیات نظری و تجربی موضوع ارائه می‌گردد. در بخش سوم، مطالعات انجام شده خارجی و داخلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در بخش چهارم به معرفی روش تحقیق پرداخته می‌شود. برآورد الگو و تحلیل یافته‌های تجربی در بخش پنجم و نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی در بخش ششم ارائه می‌گردد.

۲. ادبیات موضوع

امروزه برابری درآمد یکی از مهمترین پیش شرط‌های رفاه اجتماعی است. چرا که در یک سطح درآمد معین هرچه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، افراد بیشتری زیر خط فقر خواهند بود (ویل^۱، ۲۰۰۹). بنابراین توزیع درآمد و عوامل مؤثر بر آن، به خصوص در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. به علت گستره جغرافیایی ایران و نیاز به برنامه‌ریزی توسعه به صورت منطقه‌ای، مطالعه توزیع درآمد (هزینه) و شناخت عوامل مؤثر بر توزیع درآمد استان‌ها ضروری به نظر می‌رسد (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۲).

سیاست‌های مالی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند از طریق اعمال سیاست‌های مالی به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم کند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود؛ یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق اعمال مالیات‌ها یا برقراری مخارج انتقالی دولت مثل سوبسیدها (مالیات‌های منفی) باشد (دورباش و کریمی، ۱۳۹۷).

در این راستا، در هر نظام اقتصادی، از یک سو، گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و از سوی دیگر، نقش روبه افزایش دولت‌ها در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۶).

رویکردهای نظری موجود در زمینه تأثیر مالیات‌ها بر توزیع درآمد، جملگی بر اهمیت نقش مالیات‌ها بر توزیع درآمد تأکید دارند. مالیات‌ها به لحاظ دارا بودن نقش تعدیل‌کنندگی در اقتصاد، از ابزارهای مهم سیاست‌گذاری دولت جهت بهبود توزیع درآمد به شمار می‌روند. دلیل آن است که انواع مالیات‌ها دارای اثر درآمدی بوده و به نحوی در چگونگی توزیع درآمد تأثیرگذارند. البته میزان و نوع اثرگذاری بر حسب نوع

1. Weil

مالیات، پایه‌های مالیاتی و نرخ‌های مالیاتی ممکن است متغیر باشد (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

ماسگریو^۱ معتقد است که اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اجرا شده در اقتصاد از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات‌ها بستگی دارد. در اغلب کشورها مالیات مستقیم شامل مالیات بر درآمد اشخاص، ثروت و شرکت‌ها است. مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به صورت نرخ‌های تصاعدی بر درآمد مؤثر پس از سطوح معاف شده معین اعمال می‌شود. در صورت نبود فرار مالیاتی، این نوع مالیات در جهت هدف توزیع مجدد درآمد است و با اصل توان پرداخت مطابقت دارد. مالیات بر ثروت نسبت به ثروت تجمعی افراد اعمال می‌شود و وجه تصاعدی مالیات‌ها را به‌ویژه در گروه‌های درآمدی بالا افزایش می‌دهد. لذا مالیات بر ثروت خالص همراه با مالیات بر درآمد موجب توزیع بهتر مالیات‌ها با توجه به توان پرداخت افراد می‌شود. اثر مالیات بر شرکت‌ها بر توزیع درآمد، U شکل است یعنی برای شرکت‌های بزرگ و کوچک مخرب و برای شرکت‌های با اندازه متوسط موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. در مقابل مالیات‌های غیرمستقیم اثرات مخربی بر توزیع درآمد دارد؛ زیرا در ساده‌ترین شکل آن نرخ واحد برای تمامی معاملات مشمول مالیات در نظر گرفته می‌شود و از آنجایی که میل نهایی افراد کم‌درآمد به مصرف کالاها و خدمات بیشتر از افراد پردرآمد است، سبب بدتر شدن توزیع درآمد خواهد شد (دورباش و کریمی، ۱۳۹۷).

در واقع می‌توان گفت از آنجایی که اشخاص پرداخت‌کننده مالیات‌های مستقیم نمی‌توانند آن را به دیگری منتقل سازند، اگر این نوع مالیات‌ها بر اساس درآمد وضع شوند، می‌توانند شکاف‌های عمیق طبقاتی را کاهش دهند. از طرف دیگر، مالیات‌های غیرمستقیم نقش کمتری در بهبود توزیع درآمد دارند؛ چراکه این نوع مالیات‌ها اغلب طبیعت تنازلی دارند و بار بیشتر آن‌ها بر دوش افراد کم‌درآمد سنگینی می‌کند. بنابراین،

1. Musgrave

چنین مالیات‌هایی ممکن است اثر نامطلوبی بر توزیع درآمد داشته باشند (فراستی، ۱۳۹۷). به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که نوع اثر مالیات بر توزیع درآمد، به نوع سیستم مالیاتی بستگی دارد (اصغری‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). بسیاری از اقتصاددان‌ها قضاوت خود در باب منصفانه بودن نظام مالیاتی را عمدتاً بر پایه چگونگی توزیع فشار مالیاتی در میان گروه‌های درآمدی مختلف قرار می‌دهند.

البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که در کنار بررسی اثر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم عواملی همچون نرخ بیکاری، نرخ تورم و درآمد سرانه بر توزیع درآمد تأثیرگذار هستند:

- نرخ تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید به فعالیت‌های دارای رانت، توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر چه در مورد رابطه بین شاخص تورم و توزیع درآمد نظریه کاملاً معتبری حاصل نشده اما بالیر و گلد^۱ (۱۹۹۵) معتقد هستند که در یک جامعه، اتخاذ سیاست‌های دولتی شامل گرفتن مالیات از ثروتمندان و انتقال آن به فقرا، جهت کاهش فقر در گروه کارگران بیرونی و جلوگیری از شکاف توزیع درآمد ناشی از تورم، عمدتاً نارسا هستند. در حالیکه افرادی نظیر بلانک و بیلندر^۲ (۱۹۸۶) معتقدند که نرخ تدریجی و پایداری از تورم می‌تواند بر اوضاع اقتصادی از جمله کاهش سطح بیکاری و توزیع مناسب‌تر درآمد اثر مثبت داشته باشد (سپهردوست، زمانی، ۱۳۹۴).

- از دیدگاه نظری و مطالعات تجربی انجام شده، انتظار می‌رود که نرخ بیکاری رابطه مستقیمی با شاخص توزیع درآمد داشته و عامل مهمی در جهت افزایش نابرابری محسوب گردد (چو و همکاران^۳، ۲۰۰۰). هر چه میزان مشارکت نیروی کار فعال در فعالیت‌های اقتصادی کمتر باشد، در نهایت میزان شدت فقر و نابرابری در جامعه افزایش

1. Bulir and Gulde
2. Blank and Blinder
3. Chu et al.

خواهد یافت و بالعکس با افزایش تقاضا برای کار و کاهش بیکاری که در نهایت به افزایش درآمدها منجر می‌شود وضعیت زندگی مردم بهتر شده و شدت فقر و نابرابری در جامعه کاهش می‌یابد (دهمرده و همکاران، ۱۳۸۹).

- کوزنتس (۱۹۵۵) رابطه بین نابرابری درآمد با درآمد سرانه در طول زمان را به شکل U واژگون می‌داند که دو عامل، تمرکز پس‌انداز در دست بالاترین گروه‌های درآمدی و ساختار اشتغال به صورت فرایند صنعتی شدن و شهرنشینی در افزایش نابرابری تا سطح معینی از توسعه اقتصادی موثر است (ابونوری و فراهتی، ۱۳۹۵).

۳. مطالعات انجام شده

- مطالعات خارجی

مارتنیز و همکاران^۱ (۲۰۱۲) تأثیر سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌ای بر توزیع درآمد: شواهدی از پنل بزرگ کشورها را مطالعه نموده است. نتایج بیانگر آن است که مالیات، سیاست‌ها و هزینه‌های عمومی دولت به طور کلی بر توزیع درآمد اثرگذار است. به طوری که مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر درآمد شرکت‌ها، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و مالیات بر مصرف عمومی، مالیات‌های غیرمستقیم و عوارض گمرکی، تأثیر منفی بر توزیع درآمد دارد. اما هزینه‌ها، تأثیر مثبت و سهمی بالاتر از تولید ناخالص داخلی در رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت و درمان و مسکن بر توزیع درآمد دارد.

آنامی و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "نقش سیاست‌های مالی در مواجهه با فقر و کاهش نابرابری در ایران: کاربردی از چارچوب (CEQ)" نقش نظام مالی در ایران را در کاهش فقر و نابرابری با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوار ایران برای سال ۱۳۹۰ با ۱۸۷۲۷ خانوار شهری و ۱۹۷۸۶ خانوار روستایی در نمونه بررسی نموده‌اند. در این مقاله از رویکرد سهم حاشیه‌ای استفاده شده که در آن اثر هر یک از

1. Martinez et al.

2. Enami et al.

مؤلفه‌های سیستم با مقایسه سیستم فعلی و حذف آن مؤلفه از سیستم ارزیابی می‌شود. با استفاده از چارچوب CEQ، نتایج نشان می‌دهد که سیستم مالی به طور قابل توجهی نابرابری و فقر را به ترتیب حدود ۱۶٪ و ۶۳٪ کاهش می‌دهد.

آریستی-اسکودر و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "سیاست مالی و توزیع مجدد در جمهوری دومینیکن" بررسی نمودند که آیا اثر توزیعی سیاست مالی در جمهوری دومینیکن، بهبود در فقر و نابرابری را در دوره رشد اقتصادی کند می‌سازد یا خیر. نتایج نشان می‌دهند که سیاست مالی در جمهوری دومینیکن، در مقایسه با کشورهای دیگر، از طریق مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، پرداخت‌ها و یارانه‌ها در سطوح میانی به کاهش نابرابری منجر می‌شود و نابرابری افقی اندکی را ایجاد می‌کند. در عین حال، تأثیر پرداخت مستقیم بر کاهش فقر، با توجه به مقدار نقدینگی محدود، نسبتاً کم است و به نظر می‌رسد که هدف، افزایش درآمد با تجدیدنظر در معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌های غیرمستقیم برق است.

لاستیگ^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان "سیاست مالی، توزیع مجدد درآمد و کاهش فقر در کشورهای کم‌درآمد و متوسط" بر تجزیه و تحلیل مقایسه مالی برای ۲۸ کشور کم درآمد و متوسط پرداخت. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ادر اتیوپی، تانزانیا، غنا، نیکاراگوئه و گواتمالا نرخ فقر پس از مالیات‌ها و پرداخت‌ها (به استثنای پرداخت جزئی) بیشتر از گذشته است.

الاووتانکی و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر درآمد و نابرابری" با به‌کارگیری الگوهای رگرسیونی اثرات ثابت کشوری و تجزیه و تحلیل متغیر ابزاری با استفاده از داده‌های کلان، پیامدهای معرفی مالیات بر ارزش افزوده بر درآمد و نابرابری دولت را طی چند دوره شامل ۲۰۱۰-۱۹۷۵ (اثر

1. Aristy-Escuder et al.
2. Lustig
3. Alavuotunki et al.

مستقیم VAT بر نابرابری)، ۲۰۰۰-۱۹۷۵) اثر پیامدهای درآمدی)، در تمام کشورهای که مالیات بر ارزش افزوده در آن اجرا شده به جز کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهند در کشورهایی که نابرابری بر اساس درآمد قابل تصرف اندازه‌گیری می‌شود، افزایش مالیات بر ارزش افزوده منجر به افزایش نابرابری می‌شود؛ در حالیکه در کشورهایی که مبنای اندازه‌گیری نابرابری میزان مصرف است، افزایش مالیات بر ارزش افزوده منجر به افزایش نابرابری نمی‌شود.

- مطالعات داخلی

رشتی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب»، اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد را در ۲۰ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. روش تجزیه و تحلیل بر مبنای روش اقتصادسنجی با استفاده از روش داده‌های تابلویی و استفاده از نرم افزار ایویوز است. از آنجایی که در این مطالعه جامعه همگن و برابر مورد نظر بوده، الگوی برآورد شده برای ۱۰ کشور با درآمد بالا و ۱۰ کشور با درآمد پایین تخمین زده شده است. نتایج حاکی از آن است که کشورهای کم‌درآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی افزایش می‌یابد و میزان نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. اما در کشورهای پردرآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد کمتر می‌شود.

اصغری‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر مالیات‌ها: رویکرد اقتصادسنجی بیزی» با استفاده از داده‌های تابلویی استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۴ و با بهره‌گیری از رویکرد اقتصادسنجی بیزی اثر انواع مختلف مالیات در کنار برخی عوامل دیگر بر ضریب جینی

(به عنوان مهمترین شاخص توزیع درآمد) را مورد کنکاش قرار دادند. نتایج حاصل از روش معکوس U نشان می‌دهد که فرضیه کوزنتس مبنی بر وجود رابطه میانگین‌گیری الگوی بیزی بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد.

انصاری سامانی و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر مالیات ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد در استان‌های ایران» تأثیر اعمال این مالیات بر توزیع درآمد در سطح استان‌های ایران را هدف قرار دادند. به این منظور از داده‌های ترکیبی در دوره (۱۳۸۶-۱۳۹۲) استفاده شده است. متغیرهای کنترلی مورد استفاده شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، مخارج جاری دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده است. نتایج برآورد الگوی تابلویی این تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط بین نابرابری و مالیات ارزش‌افزوده معکوس است و افزایش این نوع مالیات باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. متغیر تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مقدار نابرابری درآمد دارد. متغیر مخارج جاری دولت نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با نابرابری درآمدی داشته است. در نهایت شاخص قیمت مصرف‌کننده هم رابطه مثبت و معنی‌داری با نابرابری توزیع درآمد دارد که بیانگر کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان به خصوص در گروه‌های پایین درآمدی است. بر اساس ارتباط بین دو متغیر نابرابری و مالیات ارزش‌افزوده در پژوهش حاضر، افزایش نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده می‌تواند در دوره زمانی کنونی اقتصاد ایران با توجه به نرخ بالای نابرابری و همچنین کاهش درآمدهای نفتی و نیاز بیشتر به اتخاذ مالیات‌ها توسط دولت سیاست مناسبی باشد.

دورباش و کریمی (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته»، به بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد در ۲۷ استان منتخب کشور، در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۵ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته

است. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد که مالیات‌های مستقیم با ضریب جینی رابطه مثبت دارد؛ بدین معنی که وضعیت توزیع درآمد بدتر می‌شود و رابطه مالیات‌های غیرمستقیم با ضریب جینی منفی است، یعنی وضعیت توزیع درآمد بهتر است؛ که این نتیجه بر لزوم توجه به مالیات‌های غیرمستقیم تأکید دارد. از سوی دیگر تولید ناخالص داخلی دارای اثری منفی و معنادار بر نابرابری درآمد است. همچنین اثر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی بر توزیع درآمد، مثبت و معناداری است.

غفاری فرد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استان‌های مختلف ایران» با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. به این منظور، از متغیرهای مستقل (مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم) و متغیرهای کمکی (تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم، هزینه‌های دولت، زکات به عنوان مالیات اسلامی) بر نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی) استان‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که افزایش هر یک از درآمدهای مالیاتی بر توزیع برابری درآمد اثر مثبت داشته و شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد و بیشترین کارایی در کاهش نابرابری توزیع درآمد در استان‌های ایران، متعلق به مالیات‌های مستقیم (مالیات بر ثروت، درآمد اشخاص و مشاغل و مالیات بر درآمد شرکت‌ها) است. بنابراین سیاست‌گذاران اقتصادی جهت بهبود برابری توزیع درآمد در استان‌های ایران، باید بیشترین نرخ و پایه مالیاتی را بر ثروت و عایدی سرمایه، درآمد مشاغل و شرکت‌ها در استان‌های مختلف ایران وضع نمایند.

با توجه به مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در مجموع می‌توان گفت سیاست‌های مالیاتی دولت به طور کلی بر توزیع درآمد اثرگذار است. در برخی مطالعات مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر درآمد شرکت‌ها، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد اما در برخی مطالعات دیگر، مالیات‌های مستقیم با ضریب جینی رابطه مثبت دارد. یعنی

باعث تشدید نابرابری در توزیع درآمد می‌شود. در خصوص مالیات‌های غیرمستقیم نیز برخی مطالعات نشان داده اند که در کشورهای کم‌درآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده از مالیات، ضریب جینی افزایش می‌یابد و میزان نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. اما در کشورهای پردرآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد کمتر می‌شود. از این‌رو، تأکید جدی به مالیات‌های غیرمستقیم می‌شود. در برخی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته نیز مالیات‌های غیر مستقیم به طور کل باعث افزایش نابرابری در درآمد شده‌اند.

۴. روش پژوهش

در این مطالعه، روش تحقیق کاربردی و بر اساس گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی از نرم‌افزار ایویوز^۱ استفاده شده است. الگوی مورد استفاده، با استفاده از داده‌های استانی کشور ایران در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به بررسی اثر متغیرهای مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات، نرخ تورم، نرخ بیکاری و تولید ناخالص داخلی سرانه بر ضریب جینی (شاخص نابرابری توزیع درآمد) می‌پردازد. برای گردآوری اطلاعات مربوط به شاخص‌های موردنظر از بانک‌های اطلاعاتی مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، و سایر بانک‌های اطلاعاتی استفاده شده است. از جمله الگوهایی که در داده‌های تابلویی^۲ می‌توان استفاده نمود، الگوهای پویا هستند. یکی از ویژگی‌های داده‌های تابلویی این است که با وارد کردن عامل زمان می‌توان پویایی بین متغیرها را مورد بررسی قرار داد.

فرم کلی یک الگوی پویا در داده‌های ترکیبی به صورت زیر است:

$$Y_{i,t} = \alpha Y_{i,t-1} + \beta X_{i,t} + \mu_t + v_{i,t} \quad (1)$$

که $X_{i,t}$ بردار متغیر مستقل، $Y_{i,t}$ بردار متغیر وابسته، μ_t عامل خطا مربوط به مقاطع و

1. Eviews 10

2. Panel

v_{it} عامل خطای مقطع نام در زمان t است.

گشتاور تعمیم‌یافته یکی از روش‌های برآورد پارامترهای الگو در رهیافت داده‌های تابلویی پویا بوده که برای داده‌های سری زمانی، مقطعی و داده‌های تابلویی قابل استفاده است. این روش اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. هنگامی که در الگوی داده‌های تلفیقی، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود، دیگر برآوردهای حداقل مربعات معمولی سازگار نیست (بالتاجی^۱، ۱۹۹۵) و باید به روش‌های برآورد دو مرحله‌ای یا گشتاورهای تعمیم‌یافته متوسل شد (آرلانو و باند^۲، ۱۹۹۱). به گفته ماتیس و سوستر^۳ (۱۹۹۵) برآورد دو مرحله‌ای ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشد. بنابراین روش گشتاورهای تعمیم‌یافته توسط آرلانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. این روش از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری برآورد را افزایش می‌دهد (میلانی و همکاران، ۱۳۹۹)

در این روش ابتدا اقدام به تفاضل‌گیری می‌شود تا به این ترتیب به توان اثرات مقاطع یا μ_i را به ترتیبی از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقیمانده در مرحله اول برای متوازن کردن ماتریس واریانس - کواریانس استفاده می‌شود. به عبارت دیگر این روش، متغیرهای تحت عنوان متغیر ابزاری ایجاد می‌کند تا برآوردهای سازگار و بدون تورش داشته باشیم (بالتاجی، ۲۰۰۵).

$$(y_{i,t} - y_{i,t-1}) = \alpha(y_{i,t-1} - y_{i,t-2}) + \beta(X_{i,t} - X_{i,t-1}) + (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1}) \quad (2)$$

الگوی مورد استفاده در این پژوهش به صورت زیر تصریح شده است:

$$Gini_{i,t} = f(gini_{i,t-1}, LCT_{i,t}, LPT_{i,t}, LWT_{i,t}, Lvat_{i,t}, UN_{i,t}, Ggdp_{i,t}, INF_{i,t}) \quad (3)$$

که در آن $Gini_{i,t}$: ضریب جینی (استانی) (متغیر وابسته)، $LCT_{i,t}$: لگاریتم مالیات بر

-
1. Baltagi
 2. Arellano and Bond
 3. Matyas and Sevestr

درآمد اشخاص حقوقی یا شرکتها (استانی)، $LPT_{i,t}$: لگاریتم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی (استانی)، $LWT_{i,t}$: لگاریتم مالیات بر ثروت (استانی)، $Lvat_{i,t}$: لگاریتم مالیات بر ارزش افزوده (استانی)، $UN_{i,t}$: نرخ بیکاری (استانی)، $Ggdp_{i,t}$: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (استانی)، $INF_{i,t}$: نرخ تورم و i نشان دهنده استان و t معرف سال است.

در این قسمت به معرفی مختصر هر یک از متغیرهای الگو پرداخته شده است:

ضریب جینی (GINI) شاخص اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است که عددی بین صفر و یک است. چنانچه ثروت و منابع جامعه به صورت عادلانه بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه توزیع شده باشد، منحنی لورنز به خط توزیع برابر نزدیک شده و ضریب جینی به سمت صفر میل می‌کند و بر عکس. اگر ثروت یک جامعه در انحصار یک فرد از جامعه باشد ضریب جینی برابر با یک می‌شود.

مالیات بر درآمد شرکتها (CT) مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی (PI) مالیات

بر ثروت (WT) از جمله مالیات‌های مستقیم است که به استناد قانون مالیات اخذ می‌شود. **مالیات بر کالاها و خدمات (Vat)** مالیاتی است که بر مصرف وضع می‌شود. از جمله مالیات‌های غیرمستقیم که به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که مصرف‌کنندگان در راستای بهره‌برداری از امکانات و منابع یک کشور موظف است آن را پرداخت نمایند که ما از مالیات ارزش افزوده بجای آن استفاده می‌کنیم.

تورم (INF) افزایش سطح عمومی قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها در نظر گرفته می‌شود.

رشد تولید ناخالص داخلی (GGDP) یکی از معیارهای اندازه‌گیری در اقتصاد است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش به تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. ابتدا آزمون ریشه واحد و در نهایت نتایج جدول برآورد الگو آورده شده است.

بدیهی است که قبل از برآورد الگو ابتدا باید مانایی متغیرها بررسی شود. آزمون لوین‌لی‌چو، از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های تابلویی است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد است. چنانچه مانایی داده‌ها در این سطح تأیید شوند، داده‌ها جهت تخمین و برآورد الگوها قابل استناد و معتبر هستند. از این رو برای بررسی ایستایی (مانایی) متغیرها از آزمون لوین، لین و چاو^۱ (۲۰۰۲)، استفاده شده است.

جدول (۱). نتایج آزمون ریشه واحد لوین لی چو

UN	INF	GGDP	LVAT	LWT	LPT	LCT	GINI	متغیرها
در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	در سطح	شرایط
پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایایی

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون ریشه واحد لوین لی چو نشان می‌دهد کلیه متغیرها در سطح پایا هستند. لذا جهت برآورد الگو، از خود متغیرها می‌توان جهت پاسخ به فرضیه تحقیق استفاده نمود.

۶. نتایج برآورد

حال به برآورد الگو با استفاده از نتایج حاصل از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ می‌پردازیم.

بر اساس نتایج حاصل شده اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مالیات بر ثروت، نرخ تورم و رشد اقتصادی بر ضریب جینی مثبت و معنادار است. هر چه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد بیشتر می‌گردد. اثر مالیات

1. Levin, Lin and Chu

بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ارزش افزوده و نرخ بیکاری بر ضریب جینی منفی و معنادار است، به عبارتی هرچه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد.

جدول (۲). نتیجه برآورد الگو به روش گشتاور تعمیم‌یافته دو مرحله‌ای

ارزش احتمال	اماره آزمون	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۰۴/۴۱	۰/۳۰۱۳	۰/۸۸۸۲	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	-۷۳/۹۵	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۴۱۵	ضریب جینی با یک وقفه
۰/۰۰۰	۰۱۷/۶۳	۰/۰۴۶۲	۰/۸۱۵۷	لگاریتم مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها)
۰/۰۰۰	-۱۵/۳۱	-۰/۰۵۸۰	-۰/۸۸۹۰	لگاریتم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی
۰/۰۰۰	-۳/۹۲	-۰/۰۱۵۵	-۰/۰۶۰۸	لگاریتم مالیات بر کالا و خدمات
۰/۰۰۰	۱۰/۷۶	۰/۰۴۴۰	۰/۴۷۴۱	لگاریتم مالیات بر ثروت
۰/۰۰۰	-۱۲/۴۱	۰/۰۰۴۲	-۰/۰۵۳۰	نرخ بیکاری
۰/۰۰۰	۱۸/۱۴	۰/۰۰۱۹	۰/۰۳۵۸	رشد تولید ناخالص داخلی
۰/۰۰۰	۲۳/۴۷	۰/۱۳۷۶	۳/۲۲۹۹	نرخ تورم

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

مالیات‌ها از این جهت که یکی از مهمترین ابزارهای بازتوزیع درآمد محسوب می‌شوند، نقشی بی‌بدیل بر بهبود یا حتی بدتر شدن توزیع درآمد ایفا می‌نمایند. لذا در این مقاله به منظور آگاهی از نحوه اثرگذاری مالیات‌ها بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران، به الگوسازی تأثیر مالیات‌ها بر توزیع درآمد پرداخته شد. الگوی مورد بررسی به روش تابلویی استانی است که بر اساس آن با استفاده از داده‌های استانی کشور بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ به بررسی اثر متغیرهای مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات، نرخ تورم، نرخ بیکاری و تولید ناخالص داخلی سرانه بر ضریب جینی (شاخص نابرابری توزیع درآمد) پرداخته می‌شود. برای گردآوری اطلاعات مربوط به متغیر مورد نظر از بانک‌های اطلاعاتی مرکز

آمار ایران، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و سایر بانک‌های اطلاعاتی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که:

- اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) که سهم عمده‌ای در سبد درآمدهای مالیاتی دولت دارد، بر توزیع درآمد مثبت است، بدین معنا که این مالیات، تأثیر معنی‌داری بر بهبود توزیع درآمد نداشته است. البته باید توجه داشت اگر این ابزار، ناکارآمد باشد، تبعات زیادی برای کشور خواهد داشت.

- اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، بر توزیع درآمد منفی است، بدین معنا که این مالیات، تأثیر معنی‌داری بر بهبود توزیع درآمد داشته است.

- مالیات بر ثروت که یکی از زیر شاخص‌های مالیات‌های مستقیم است، به علت برخورداری از سیستم‌های تصاعدی در پرداخت باعث کاهش نابرابری درآمد نشده است که می‌تواند به علت پایین بودن سهم آن در درآمدهای مالیاتی مستقیم باشد. مالیات بر ثروت نسبت به ثروت تجمعی افراد اعمال می‌شود و وجه تصاعدی مالیات‌ها را به ویژه در گروه‌های درآمدی بالا افزایش می‌دهد. لذا این مالیات می‌تواند به صورت ابزار مفیدی با هدف انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بکار رود.

- مالیات بر ارزش افزوده که بر پایه مصرف اعمال می‌شود باعث توزیع عادلانه‌تر درآمد شده است. البته در اعمال مالیات بر کالا و خدمات به‌عنوان مالیات غیرمستقیم با پدیده انتقال بار مالیاتی روبرو هستیم بالأخص در شرایطی که مالیات فوق بر کالاها و خدمات ضروری که عمدتاً دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی هستند وضع گردد. در این شرایط پرداخت‌کنندگان عمده مالیات قشر کم‌درآمد هستند چراکه سهم کالاهای ضروری در بودجه خانوارهای کم‌درآمد در مقایسه با خانوارهای با درآمد بالا بیشتر است. لذا بار این مالیات بیشتر بر دوش افراد کم‌درآمد است و شرایط توزیعی نابرابرتر می‌شود. در ایران وضع مالیات بر کالاهای ضروری و بسیاری از اقلام دیگر معاف از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده هستند.

- افزایش رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه باعث کاهش فقر و نابرابری درآمدی شده است. در ایران با افزایش رشد تولید ناخالص داخلی نابرابری درآمد بهتر نشده است که می‌تواند به خاطر توزیع ناعادلانه تولید حاصل شده در اقتصاد باشد.

- افزایش نرخ تورم در کشور نیز همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد منجر به بدتر شدن توزیع درآمد و شکاف طبقاتی شده است که لزوم به‌کارگیری سیاست‌های تثبیتی و مناسب از سوی دولت را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

با توجه به شرایط اقتصاد ایران (تحریم اقتصادی) و با هدف کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی واضح است که افزایش درآمدهای مالیاتی پایدار از جمله راهکارهای مناسب برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است. اما مشاهدات در کشور نشان می‌دهد که سهم مالیاتی در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد حرکت نکرده است. بر اساس نتایج حاصل شده اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مالیات بر ثروت، نرخ تورم و رشد اقتصادی بر ضریب جینی مثبت و معنادار است. هر چه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد بیشتر می‌گردد. اثر مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر ارزش افزوده و نرخ بیکاری بر ضریب جینی منفی و معنادار است، به عبارتی هرچه این متغیرها افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد. بر این اساس، هر گونه سیاستگذاری در جهت کاهش فشار بر اقشار کم درآمد جامعه از طریق اعمال نرخ‌های مناسب مالیات بر شرکت‌های تولیدی، ثروت و کاهش نرخ تورم می‌تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد.

منابع:

- Abounoori, E., & Farahati, M. (2016). The Structure of Production and Income Distribution in Iran. *Economic Modeling*, 9(32), 1-23 (In Persian).
- Alavuotunki, K., Haapanen, M., & Pirttilä, J. (2018). The effects of the value-added tax on revenue and inequality. *The Journal of Development Studies*, 55(4), 1-19.

- Aminrashti N., & Rafatmilani, M. (2011). The Effect of the Value Added Taxation (VAT) On Income Distribution in Selected Countries. *Journal of Tax Research*, 19 (11), 63-84 (In Persian).
- Amiri, H., Shahnazi, R., & Dehghan Shabani, Z. (2014). *Public Economics 2*. Research Institute of Hoza and University (In Persian).
- Ansari Samani, H., Rouzbahani, M., & Taherian, P. (2016). Examination of the effect of value-added tax on income distribution in the provinces of Iran. National Conference on Value-Added Tax: Opportunities and Challenges, Mashhad (In Persian).
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58, 277-29.
- Asgharpour H., Nasibparast S., & Moradi, H. (2014). Determinants of Income Inequality in Iran's Provinces with an Emphasis on Taxes: a Bayesian Econometric Approach. *Journal of Tax Research*, 22 (21), 159-180 (In Persian).
- Baltagi, B.H. (1995). *Econometric analysis of panel data*. Wiley, New York.
- Chu, K.H. & Gupta, S. (2000). Income distribution, tax and governmentsocial spending policies in developing countries. IMF working paper, No.00/62, Washington: International Monetary Fund.
- Dahmardeh, N., Safdari, M., Shahiki Tash, M. (2010). The Effect of Macroeconomic Indices on Income Distribution in Iran. *Iranian Journal of Trade Studies*, 14(54), 25-55 (In Persian).
- Enami, A., Lustig, N. & Taqdiri, A. (2016). The role of fiscal policy in fighting poverty and reducing inequality in Iran: an application of the commitment to equity (CEQ) framework. The Economic Research Forum (ERF), Working Paper 1020.
- Farahti, M. (2017). Effect of tax composition on income distribution in Iran: autoregressive distributed lag approach (ARDL). *Quarterly Journal of Applied Economic Theory*, 5(6), 185-212 (In Persian).
- Faramarzi, A., Dashtban Farooji, M., Hakimipour, N., Alipour, S., & Jabari, A. (2014). Investigation of the relationship between taxation and economic growth, a case study of Iran and member countries of OPEC and the Organization for Economic Co-operation (OPEC) and (OECD). *Financial Economics*, 9(32), 103-122 (In Persian).
- Ghafarifard, M., Heydari, M., & Homan, A. (2019). Investigation of the effect of the combination of tax revenues on income distribution in different provinces of Iran (panel data approach). *Journal of New Achievements in Humanities Studies*, 3(29), 105-117 (In Persian).
- Karimi, M.S., & Dourbash M. (2018). The Study on the Effects of Direct and Indirect Taxes on Income Distribution Using the Generalized Method of Moments. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 6(22), 47-68

(In Persian).

- Khanlou, A.S., (2016). The effect of financial development on economic growth in the member countries of the Organization of Islamic Conference. Master's Thesis, Rah Danesh (the Non-Governmental & Non-Profit Institute), Babol (In Persian).
- Lustig, N. (2016). Fiscal Policy, Income Redistribution and Poverty Reduction in Low and Middle Income Countries. Center for Global Development 2055 L Street NW, <https://ssrn.com/abstract=2951735>
- Martinez-Vazquez, J., Moreno-Dodson, B., & Vulovic, V. (2012). The Impact of Tax and Expenditure Policies on Income Distribution: Evidence from a Large Panel of Countries. International Center for Public Policy, Working Paper, 12-25.
- Rafat Milani, M., Pajuyan, J., Hosseini, S.S., & Ghafari, F. (2019). Investigating the impact of local taxes on income distribution in selected OECD countries and providing solutions for the implementation of local taxes in the Iranian economy. *Quarterly Journal of Financial Economics*, 14(53), 21-44 (In Persian).
- Sánchez-Martín, M.E., Moreno-Dodson, B., Aristy-Escuder, J., & Cabrera, M. (2016). Fiscal policy and redistribution in the Dominican Republic. CEQ Working Paper, 46, <https://www.researchgate.net/publication/307598152>
- Sepehrdoust, H., & Zamani, S. (2015). Pareto Income Distribution improvement and Taxation Policies in Iran. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(10), 107-127 (In Persian).
- Weil, D.N. (2009). *Economic Growth*. 2nd Edition. Pearson and Addison Wesley.

Evaluation Of Tax Policies on Income Distribution using the GMM Approach

Khosrow Noor Mohammadi*
Abbas Arabmazar (Ph.D)**
Nader Mehregan (Ph.D)***
Bamdad Partovi (Ph.D)****

Received:
17/10/2021

Accepted:
02/03/2022

Abstract:

Unequal distribution of income and wealth in society will cause serious problems in the economic, social and political spheres. In this regard, tax resources are the most important tools of the government to improve and redistribute income. Considering the role and importance of taxes in income distribution, this study intends to evaluate the tax revenues in terms of income distribution in the provinces of the country using 2006 to 2016 data and the GMM model. In this regard, the effect of corporate income tax, personal income tax, wealth tax, tax on goods and services, inflation rate, unemployment rate and GDP growth on the Gini coefficient (income distribution inequality index) has been considered. Based on the results, the effect of corporate income tax, wealth tax, inflation rate and economic growth on Gini coefficient is positive and significant. As these variables increase, the Gini coefficient increases and income inequality increases. The effect of personal income tax, value added tax and unemployment rate on the Gini coefficient is negative and significant, in other words, as these variables increase, the Gini coefficient decreases.

Keywords: *Direct and Indirect Taxes, Income Inequality, Gini Coefficient, GMM Approach.*

JEL Classification: *C23, E62, I38, K34.*

* Ph.D in Economics, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran, (Corresponding Author),

Email: noormohamadi.kh@mporg.ir

** Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: ab_arabmazar@sbu.ac.ir

*** Professor of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, Email: mehregannader@basu.ac.ir

**** Assistant Professor of Economics, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran, Email: bamdad.partovi@iau.ac.ir